

عنوان مقاله:

چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دوره 5، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 33

نویسندگان:

سعید میرترابی - استادیار روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مهرداد فلاح - دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

همکاری میان اعضای بریکس، پس از اولین گردهمایی بریک در سال ۲۰۰۶، تاکنون رو به افزایش بوده و این گروه به تدریج، جایگاه مهم تری را در زمینه مسائل اقتصادی بین المللی به دست آورده است. در گروه بریکس باوجود محدود بودن، اعضا همراه با چین با ایجاد نهادهای مالی جدید در قالب بریکس، یک کمربند-یک جاده، برای مقابله با نهادهای مالی هژمونیک جهانی تلاش کرده اند. نوشتار پیش رو می کوشد نقش چین در حال رشد را در بریکس و چگونگی تغییر حاکمیت اقتصاد جهانی و پتانسیل ابتکارات مستقل آن برای تأثیر بریکس بر اقتصاد جهانی بررسی کند؛ از سوی دیگر، چین قدرتی نوظهور به شمار می رود که به سرعت در حال ارتقای جایگاه خود در نظم اقتصادی بین المللی است. به گونه ای که احتمال می رود این کشور به قدرت هژمون آینده این حوزه تبدیل شود. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که: چین برای ایجاد تحول نظم اقتصادی جهان در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۹ چگونه از بریکس بهره گرفته است؟ جستار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی که از رویکردی به‌طور عمده کیفی استنباط می کند. فرضیه ای که در همین راستا مورد آزمون قرار گرفته، این است که چین با بهره گیری از سازوکار بریکس و بریکس پلاس، کوشیده است تا از راه نهادسازی و تغییر روابط خود با قدرت های بزرگ، نظم اقتصادی جهان را در سال های ۲۰۲۰-۲۰۰۹ در راستای منافع خود متحول کند. پژوهش حاضر بر نگاه ابزاری چین به گروه بریکس و ابتکارهایی که مقام های پکن در چارچوب سازوکار بریکس در پیش گرفته اند، تأکید دارد.

کلمات کلیدی:

چین، بریکس، بریکس پلاس، اقتصاد جهانی، قدرت‌های نوظهور

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1608060>

